

وزارت مسکن و شهر سازی  
معاونت شهر سازی و معماری  
دفتر معماری و طراحی شهری

# بسم الله الرحمن الرحيم

«پیش نویس منشور دفتر معماری و طراحی شهری»

وزارت مسکن و شهر سازی  
معاونت شهر سازی و معماری  
دفتر معماری و طراحی شهری

## پیش نویس چهارم

### منشور دفتر معماری و طراحی شهری

تابستان سال ۱۳۸۲

«پیش نویس منشور دفتر معماری و طراحی شهری»

وزارت مسکن و شهر سازی  
معاونت شهر سازی و معماری  
دفتر معماری و طراحی شهری

« فهرست مندرجات »

ردیف	عنوان	شماره صفحه
۱	مقدمه	۳
۲	پیش درآمد	۵
۳	اهداف	۱۰
۴	ضرورت	۱۰
۵	ارکان	۱۱
۶	عوامل و عناصر مؤثر در شهر مطلوب	۱۶
۷	راهبردها	۲۲
۸	اقدامات	۲۳

## بسمه تعالی

### مقدمه:

از حدود ده ماه پیش که اینجانب به عنوان سرپرست و سپس مدیر دفتر معماری و طراحی شهری منصوب شده و فعالیت خود را آغاز نمودم، ضرورت تدوین منشور معماری و طراحی شهری را احساس می نمودم. مهمترین دلایل این امر آن بود که یکم: به نظر می رسید این دفتر بدون هدف مشخص در حال انجام وظایف محوله است و اگر این تصور واقعیت می داشت، اساسا ما درگیر کاری بیهوده و عبث بودیم. که این امر نمی تواند صحیح باشد، زیرا: مسلما تمامی افراد لایقی که متولی تاسیس و عهده دار مدیریت این دفتری ده سال گذشته بوده اند، تمایلی به انجام کارهای بیهوده نداشته اند. لکن به دلیل آنکه هیچ سند مکتوبی در خصوص اهداف کلان و به تبع آن اهداف خرد وجود نداشت. نه تنها امکان پیروی از راه آغاز شده توسط آنان وجود نداشت بلکه اساسا راهبرد و برنامه مشخصی نیز برای ادامه فعالیت های دفتر متصور نبود اما برای اینجانب که افتخار همکاری با این دفتر را از همان سالهای نخستین تاسیس داشته و امور مرتبط با آن را پیگیری نموده ام، همواره خلاء اهداف، راهبردها، اقدامات و برنامه ها احساس می شد و بالطبع قرار گرفتن در راس آن لزوم رفع این کمبود را دو چندان می نمود. دوم: به دلیل مذکور در بند یکم انجام امور محوله به صورت هدفمند انجام نمی گردید و مجموعه فعالیت های دفتر به صورت اقداماتی پراکنده و نامربوط به نظر می رسید و این امر چندان راضی کننده نبود. زیرا مثلا طرح های پژوهشی به میزان قابل توجهی به سفارش این دفتر در حال انجام بود ولی نتیجه مورد انتظار از آن نامعلوم بود و یا آنکه از قراردادن مجموعه مطالعات و پژوهشها در کنار یکدیگر، هدف کلان و مشخصی استنباط نمی گردید. این وضعیت در آموزش ضمن خدمت همکاران، انتشارات و سایر فعالیت های جاری دفتر نیز مصداق داشت. سوم: به سبب سوابق گذشته این دفتر اقداماتی که از ده ماه پیش در مجموعه آغاز شده بوده از نظر بسیاری از ناظرین از جمله مقامات مافوق و همکاران دفتر، فعالیت هایی نامرتبط با یکدیگر قلمداد می گردید و اگر چه با مقایسه عملکردها با شرح وظایف مصوب دفتر معماری و طراحی شهری نزد آنان این اقدامات در جهت انجام وظایف محوله تلقی می شد، لکن از اجزاء فعالیتها، امکان درک اهداف و برنامه های کلان و ارتباط میان فعالیتها قابل شناسایی نبود. به همین سبب اگر چه پس از سه ماه، مفاد این منشور برای برخی از همکاران سازمانهای استانی و دفتر معماری و طراحی شهری به صورت کلی و شفاهی تشریح گردید، لکن تدوین آن تا به امروز به تاخیر افتاده است و البته در این مدت اقداماتی در راستای اهداف و راهبردهای این منشور نیز انجام شده که برخی به نتیجه رسیده و مابقی در حال پیگیری است. چهارم: بسیاری از علاقمندان و

وزارت مسکن و شهر سازی  
معاونت شهر سازی و معماری  
دفتر معماری و طراحی شهری

صاحب نظران حرفه های معماری و طراحی شهری که دارای سوابق ارزشمندی در زمینه های فعالیت این دفتر داشته اند، علی رغم میل باطنی خود به دلیل در دسترس نبودن چنین سندی امکان همکاری و ارائه راهنمایی های لازم را نداشته اند و پنجم: تحقق اهداف و وظایف محوله به دفتر معماری و طراحی شهری ماهیتاً نیاز به فعالیت های طولانی مدت دارد و بنابراین، چنین فعالیتهایی با تغییرات مدیریتی می تواند مورد تهدید واقع شود.

بهر حال آنچه که امروز به عنوان «پیش نویس منشور دفتر معماری و طراحی شهری» فرا روی شماست، حاصل تلاش چند ماه گذشته است که تکمیل، اصلاح، پیرایش و پالایش آن نیاز به همکاری، همفکری و صرف زمان بیشتر است. امیدوارم که با تکمیل تدریجی و انجام اصلاحات لازم امکان تدوین برنامه ای جامع از فعالیتهای مورد نیاز برای یک دوره دهساله مهیا و مسیر برای اجرای آن هموار گردد.

انشاء الله تعالی  
غلامرضا میثاقیان  
۱۳۸۷/۱/۸

## ( منشور دفتر معماری و طراحی شهری )

### پیش درآمد:

اگر شهر مطلوب را مکانی بدانیم که بر اساس مزیت‌های طبیعی، فرهنگی و تاریخی خود ایجاد، مدیریت و توسعه می‌یابد، آنگاه بایستی بپذیریم که چنین شهری دارای ویژگی‌های زیر است:

- ۱- بامحیط و بستر طبیعی خود تعاملی مبتنی بر توسعه پایدار دارد.
  - ۲- از فرهنگ و مناسبات اجتماعی و مدنی در کلیه تعاملات جاری میان شهروندان بهره می‌گیرد.
  - ۳- رشد و توسعه کالبدی بر پیشینه ساختار تاریخی آن استوار است.
- حال با چنین نگرشی کاملاً طبیعی است که هر یک از این سه شاخص، خود می‌تواند مشتمل بر زیر شاخه‌هایی از سنجه‌هایی باشد که در ارزیابی‌های ما از شهر مطلوب مفید و موثر باشد. اما پیش از وارد شدن به مباحث اصلی این بخش بایستی نکات زیر را مدح نظر داشته باشیم:
- **نخست:** ملاک و معیار ما در تعریف شهر مطلوب و شاخصهای آن شهر ایرانی-اسلامی با قابلیت‌ها و ویژگی‌هایی است، که طی قرون متمادی و در سایر تمدن کهن این آب و خاک شکل گرفته است.

○ **دوم:** آنچه که امروز در شهرهای ما نمود و بروز کالبدی یافته است ناشی از بروز نوعی اغتشاش در عرصه‌های مختلف شهری شامل عدم تعامل منطقی شهرها بامحیط طبیعی پیرامون، عدم ارتباط منطقی در روابط اجتماعی و ناهمگونی کالبدی در ساخت و سازها است.

○ **سوم:** دست‌یابی به شهر مطلوب بدون اصلاح این اغتشاش میسر نمی‌باشد.

○ **چهارم:** دستیابی به شهر مطلوب هماهنگی، همکاری و همدلی تمامی نیروهای موثر و دخیل در امر شهر سازی و معماری شامل مراکز آموزشی، دستگاه‌های سیاستگذار، قانونگذاران، مجریان، مدیران، پژوهشگران و عموم شهروندان را طلب می‌نماید.

○ **پنجم:** اگر چه استفاده از تجارب جهانی را امری ضروری میدانیم لکن بایستی توجه داشته باشیم که شاخصه‌های مذکور در صدر این متن (ویژگی‌های طبیعی، فرهنگی و تاریخی) در کشور ما با دیگر کشورها متفاوت است و علاوه بر این دیگر کشورها هرگز به سهولت تجارب ارزشمند و موفق خود را در اختیار کشور ما قرار نخواهند داد. واقعیت امر آن است که این کشورها تنها

تجارب منسوخ و اطلاعات سوخته خود را در اختیار دیگر کشورها قرار می‌دهند. بنابراین در بهترین حالت، «رونده»، تغییرات در عملکرد، فعالیت و تجارب این کشورها می‌تواند تاحدودی به عنوان سرمشق مورد استفاده ما قرار گیرد.

○ **ششم:** اقدامات انفعالی و برخورد های مقطعی نمی‌تواند پاسخگوی نیاز ما در جهت دستیابی به شهر مطلوب باشد. این فرایند نیاز به صبر، دقت، پشتکار و فعالیت مستمر و هماهنگ دارد.

○ **هفتم:** نیل به هدف با شناسایی عوامل و عناصر موثر میسر است و بنابراین مستند سازی وضعیت کنونی و همچنین کشف و شهود ناشی از تجارب گذشته نقش مهمی در اقدامات و فعالیت های آتی ما خواهد داشت.

○ **هشتم:** اقدامات بایستی با ایجاد باور در میان کلیه عوامل موثر و ذینفع و به صورت هماهنگ انجام شود. اقدامات موضعی، آرمانگرایانه و فردی اگر چه ممکن است اثرات مفیدی داشته باشد لکن این آثار موقت و کم دوام خواهد بود.

○ **نهم:** انجام اقدامات نیاز به برنامه ریزی در ۳ مقطع کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت دارد. بدون هدفگذاری برنامه بی معنی و بدون برنامه اقدامات کم اثر یا بی اثر است.

○ **دهم:** برنامه ریزی بدون عنایت به واقعیتهای موجود (شناخت محدودیتها، امکانات، فرصتها و تهدیدها) و توجه به قابلیتها محکوم به شکست است. مهمترین اصل در این زمینه وجود اعتقاد راسخ برای تبدیل هر تهدید به یک فرصت است.

○ **یازدهم:** مهمترین عامل در تحقق اهداف ما تکیه بر سرمایه انسانی و اجتماعی است فراموش نکنیم که شهر و محیط زندگی لباسی است بر قامت انسان. پس کیستی آدمی و مقصد این منشور تلقی می‌شود و هم اوست که بایستی برای حل معضلات خود تلاش کند.

○ **دوازدهم:** هدف از تدوین این منشور و اقدامات مترتب بر آن صرفا دست یابی به شهری زیبا نیست، و هرچند که زیبایی نیز از جمله شاخصه های شهر مطلوب است. شهر مطلوب ما قطعا شهری متعادل است که در حفظ و توسعه آن تمامی عوامل مورد نیاز (از جمله زیبایی) در آن به اندازه، مورد عنایت قرار دارند.

○ **سیزدهم:** با عنایت به شاخصه های ۳ گانه مذکور در صدر این منشور شهر مطلوب در نقاط مختلف مفهومی متفاوت دارد. به عبارت دیگر مطلوبیت در گیلان با مطلوبیت در یزد متفاوت

است و اگر جای لاهیجان (مطلوب) با مید (مطلوب) عوض شود هیچ یک شهری مطلوب تلقی نمی شوند.

○ **چهاردهم:** بدون مدیریت زمان و یا تجهیز مسئولین، متخصصین و مدیران به توانایی پیش بینی بسیاری از اتفاقات در حال بروز و ارائه راه حل‌های متناسب با آنها جهت کاهش آثار سوء این اتفاقات، توفیق در دستیابی به اهداف این منشور بسیار بعید خواهد بود.

○ **پانزدهم:** اقدامات پیش بینی شده بایستی در زمان مقرر خود انجام شوند زیرا چنانچه تقدم و تاخر اقدامات رعایت نشود، بسیاری از این اقدامات کم اثر و یا بی اثر خواهند بود.

○ **شانزدهم:** کلیه اقدامات هدفمند مورد نظر بایستی از سوی مرجعی واحد مدیریت و هدایت شود و در این راستا اقدامات بخشی و انحصار گرایانه عوامل ذی‌مدخل موجب کاهش میزان موفقیت خواهد بود.

○ **هفدهم:** منشور معماری و طراحی شهری بازگو کننده فرایندی است که در جهت تحقق شهر مطلوب با عنایت به واقعیتها، قابلیتها و ظرفیتهای موجود تدوین می شود. به همین سبب نیل به هدف اصلی و نهایی آن همانند تئوری «حـ»، و «پـ» استگسی، در دانش ریاضی، اتفاقی است که در بینهایت زمان، بروز و ظهور می یابد. ولی نزدیک شدن به «حـ»، امری کاملاً متصور است.

○ **هجدهم:** تحقق پذیری فرایند تحقق اهداف مندرج در منشور معماری و طراحی شهری مشروط به «انعطاف پذیری برنامه ها»، و «قابلیت اصلاح و بازنگری»، در «برنامه ها»، «روشها»، و «اقدامات»، است. بنابراین در طی تدوین این فرایند بایستی نهایت تلاش خود را بکار گیریم تا در عین آنکه بر آرمانها و اهداف منطبق بوده، با امکان انعطاف و تغییر روشها، «تحقق پذیر»، باشد.

○ **نوزدهم:** روشهای نیل به اهداف و تحقق برنامه ها که موجد انعطاف در برنامه ها و اقدامات محسوب می شود، بایستی متناسب با شرایط زمان اتخاذ شوند.

○ **بیستم:** کارایی حرفه ای که بازده منابع انسانی نیز تلقی می شود، کنشی است که از چهار عامل مهم «دانش»، «بینش»، «منش» و «روش» ناشی می گردد. بدیهی است که اگر تعادل منطقی میان این چهار عامل برقرار شود، کنشها منطقی تر و کارایی افراد و منابع انسانی افزایش می یابد. در این تقسیم بندی «دانش» مربوط به دانسته های هر فرد است. بدین معنی که هر فرد برای پذیرش

مسئولیت‌های محوله بایستی به دانش مرتبط با حرفه خود مسلط باشد. البته با عنایت به ویژگی دانش که حرکتی کمالگرا دارد، شخص مسئولیت پذیر بایستی مرتباً دانش خود را تکمیل و به روز آوری نماید. زیرا ناگفته پیداست که عدم باز آموزی افراد موجب کاهش تدریجی کارایی حرفه ای آنان می گردد. « بینش » حاصل اندیشه آدمی در جهت دستیابی به افق‌های جدید در تحقق اهداف سازمانی است. بدیهی است نیل به اهداف سازمانی و آرمانی در گرو اندیشه توأم با نبوغ و خرد گرایی است و اگر فردی در حل هریک از مسائل و مشکلات فراروی خویش به اندازه کافی و متناسب با نیازها اندیشه نکند مسلماً در انتخاب روشها و نحوه عملکرد نیز دچار لغزش شده و بالطبع کارایی وی کاهش می یابد. بنابراین در جهت تضمین توجه هریک از افراد گروه همکار لازم است آنان همواره در ذهن خود این پرسش را مرور نمایند که به اندازه کافی اندیشه داشته ام؟ « منش » نوع رفتار اشخاص در طی مسیر تعیین شده در برنامه برای نیل به اهداف سازمانی است. بدین ترتیب که هریک از اعضاء حاضر در یک گروه کاری رفتاری متفاوت دارند و بنابراین لازم است هریک از این افراد متناسب با رفتارهای خود مسئولیت انجام بخشی از وظایف را برعهده گیرند. رفتارهای افراد به نوع خود مزیت آنان محسوب می شوند. زیرا به تعبیر آنکه « هر کسی را بهر کاری ساختند » برای حل هریک از مشکلات فرارو و همچنین پیشبرد برنامه ها نیاز به افراد مختلف با قابلیت‌های متفاوتی داریم که از عهده چنین مسئولیت‌هایی برآیند. لیکن برای بهبود مستمر چنین ویژگی‌هایی بایستی همواره افراد از خود این پرسش را داشته باشند که آیا درست رفتار نموده است؟ « روش » نحوه عمل افراد در جهت پیشبرد اهداف و برنامه های سازمانی است. مسلماً برای رسیدن به یک هدف واحد افراد گوناگون از راههای گوناگونی استفاده می نمایند و گاه برای رسیدن به یک هدف ناچار به آزمودن راههای مختلف خواهیم بود. ضمن آنکه در اولین تجارب همواره با این پرسش مواجهیم که آیا راه رسیدن به هدف را به درستی انتخاب نموده ام؟ نکته آخر در این زمینه این است که بدون وجود « وجدان حرفه ای » امکان توفیق در تعامل این چهار عامل غیر ممکن به نظر می رسد.

○ **بیست و یکم:** همانگونه که ملاحظه می شود عوامل مختلف، به عبارتی پراکنده در تدوین منشور مورد نظر ما موثرند که اگر به درستی سازماندهی شوند می توانند به صورت مسیری مدور و هماهنگ ترسیم شوند که مرتباً و طی یک فرایند تکاملی به تربیت نیروی انسانی مورد نیاز و نزدیک شدن به شهر مطلوب منجر خواهد شد.

○ **بیست و دوم:** دستیابی به شهر مطلوب نیازمند توجه همزمان به مجموعه ای از مجهولات متعدد است که قابل تجزیه به عوامل ساده نبوده و بایستی به صورت همزمان مورد عنایت نظر قرار گیرند به عبارت دیگر نمی توان مشکل عبور و مرور شهری را به صورت منفرد مورد مطالعه قرارداد و حل و فصل نمود. بلکه بایستی این گونه مشکلات را به صورتی پیوسته مطالعه و برای آنها راه حل پیدا نماییم. لکن در انجام اقدامات می توان اولویتهایی را مشخص نمود.

○ **بیست و سوم:** بروز «تمدن» امری «تدریجی» است، نه «دفعی» بنابراین رسیدن به شهر مطلوب که همانا شهری است که بایستی محل تجلی حیات مدنی باشد علاوه بر آنکه نیاز به طی زمان دارد، نیازمند تداوم حیات مدنی نیز هست و با عنایت به آنچه گفته شد برای تداوم حیات مدنی ناگزیر از انجام «سازماندهی اجتماعی» و استقرار مطلوب جمعیت ( مهار روند مهاجرت های درون شهری و میان شهرها و روستاها ) خواهیم بود. و در این خصوص مهمترین اقدام آن است که با تمهیداتی موجبات ایجاد ثبات و پایداری در میان جمعیت شهر و تقویت روحیه همکاریهای اجتماعی و ایجاد محلات شهری را فراهم نماییم. ضمن آنکه مطالعات اجتماعی می تواند به ما کمک کند تا ضمن بازیابی هویت شهری، بتوانیم در هدایت مطلوب برنامه ریزی برای بهسازی، مرمت، بازسازی، نوسازی و توسعه کالبد شهر و اقدامات حمایتی تصمیمات مناسب اتخاذ نماییم. تأکید می شود که مطالعات اجتماعی بایستی به صورت عمیق صورت پذیرفته و به مطالعات وضع موجود خلاصه نشود. به عبارت دیگر بدون توجه به مطالعات جامعه شناسی تاریخی مطالعات ما ناقص خواهد بود. به عنوان مثال اگر هدف ما احیاء یک محله قدیمی در یک شهر تاریخی باشد، جامعه شناسی تاریخی علاوه بر اینکه به شناسایی تحولات اجتماعی می پردازد، موجب شناسایی نحوه شکل گیری محلات و همچنین شناسایی مشخصات ساکنین پیشین جامعه محله ای نیز خواهد گردید. ایجاد زمینه های لازم برای بازگشت ساکنین پیشین جامعه و فرزندان آنان به محل از مهمترین اقدامات موثر در این زمینه خواهد بود.

حال با توجه به آنچه که ذکر گردید، مراحل مختلف «منشور دفتر معماری و طراحی شهری» اقدام

می نماییم.

**اهداف:** مهمترین اهداف از تدوین این منشور عبارتند از:

- ۱- انتظام بخشی به مجموعه اقدامات در حال انجام در نظام معماری و طراحی شهری در جهت نیل به معماری و شهر سازی مطلوب
- ۲- برنامه ریزی برای تسریع درنیل به تحقق شهر مطلوب
- ۳- استفاده بهینه از قابلیت‌های موجود و فعال در زمینه معماری و طراحی شهری

**ضرورت:** نابسامانی موجود در شهرها چه از حیث تعامل شهر با بستر طبیعی، چه از جنبه های اجتماعی و چه از جنبه های کالبدی سالهای زیادی است که از سوی مردم، مسئولین، متخصصین و حرفه مندان به انحاء مختلف مطرح می شود و در عین حال به نظر می رسد که مجموعه اقدامات صورت گرفته طی سالیان گذشته پاسخگوی هیچ یک از نیاز های مطرح شده از منتقدان نبوده است. مسلماً عوامل و عناصر متعددی در بروز و ظهور نابهنجاریهای کنونی موثر بوده اند. لکن نگرش اغلب متخصصین، مسئولین و مدیران به این موضوع نگاهی کاملاً کالبدی و مهندسی است. این در حالی است که در واقعیت بایستی علل وقوع چنین وضعیتی را در جای دیگری جستجو کنیم. واقعیت انکار ناپذیر در این خصوص آن است که اغلب دست اندر کاران امر شهر سازی و معماری از پذیرش این واقعیت اکراه دارند که « شهر آئینه تمام نمای فرهنگ جامعه ساکن در آن است » و به همین دلیل از توجه به ارتباط میان نابهنجاریهای اجتماعی با شرایط نامطلوب شهرها غفلت می نمایند. دیگر اینکه: « شهر یک پدیده سرزمینی است » به عبارت دیگر در هر جا و موقعیتی شرایط برای بروز و ظهور یک شهر وجود ندارد. و در عین حال در هر موقعیتی که شرایط برای ایجاد شهر وجود دارد، نمی توان شهری بی تناسب با آن مکان ایجاد نمود به عنوان مثال نمی توان انتظار داشت که یزد در موقعیت بوشهر ساخته شود. و یا در کویر لوت بعید است بتوانیم شهری نظیر سندج ایجاد کنیم. « منشور دفتر معماری و طراحی شهری به منظور جهت دهی و انتظام بخشی به مجموعه اقداماتی تدوین می شود که به صورت پراکنده سعی در باز یابی هویت تاریخی و فرهنگی شهرها از یکسو و توسعه هدفمند شهر و مبتنی بر رفاه و سعادت مندی شهروندان دارد. » اقداماتی که هم اینک در عرصه های مختلف از آموزش گرفته تا تهیه طرحهای موضوعی و یا موضعی و همچنین تدوین دستورالعملها، قوانین و اقدامات نرم افزاری مشابه در حال انجام است، درپاره ای از موارد دارای همپوشانی و گاه تناقض و تعارض است. بنابراین ساماندهی به این مجموعه از اقدامات وظیفه ای است

که بایستی در این منشور مورد توجه قرار گیرد. لازم به یاد آوری است که در تدوین این منشور سعی خواهد شد نحوه نگرش خود را بر اساس توجه به عوامل، عناصر، راهبردها، برنامه ها و اقدامات از منظر حیات مدنی استوار نماییم. و در این مسیر نیازمند به تدوین «متدولوژی» (روش شناسی) برای ایجاد شهر مطلوب با چنین رویکردی خواهیم بود.

**• ارکان:** در تدوین این منشور عوامل مختلفی دخالت دارند که مهمترین آنها به شرح زیر است:

۱- **دانشگاهها و مراکز آموزش عالی:** بدون تردید دانشگاهها و مراکز آموزش عالی نقش بسیار مهم و ارزشمندی در سلسله عوامل موثر در تحقق اهداف و اجرای برنامه‌های اجرایی منشور معماری و طراحی شهری برعهده دارند زیرا از یکسو، دانشگاهها نسبت به پرورش و توسعه نیروی انسانی و متخصص برای آینده نقش ایفا می نمایند و از دیگر سو به دلیل ماهیت مراکز آموزشی، امکان انجام پژوهش در حوزه های مختلف مورد نیاز، توسط این پشتوانه علمی فراهم است. لیکن بایستی عنایت داشته باشیم که سرفصلها و مراجع آموزشی دانشگاهها در حال حاضر متناسب با نیازهای واقعی کشور نیست. به عنوان مثال در رشته های معماری و شهرسازی دانشجویان متناسب با نیاز کشور با پیشینه معماری و شهرسازی ایرانی-اسلامی آشنا نمی شوند. در تمرینهای آموزشی به ندرت به زمینه و محل طراحی توجه می نمایند در آشنایی با مواد و مصالح ساختمانی بامصالح ساختمانی بومی آشنایی نمی یابند و فقط به شناخت خواص فیزیکی و شیمیایی مصالح توجه دارند. مصالح قابل بازیافت در طبیعت را مورد شناسایی قرار نمی دهند. در آموزش شهرسازی ویژگیهای طبیعی، اجتماعی و فرهنگی مورد توجه اصولی قرار نمی گیرد و برنامه ریزان شهری در تمرینات خود صرفاً متناسب با فیزیک افراد به تامین مساحت‌های مربوط به کاربریهای شهری اقدام می نمایند. آنان با خاطرات، ویژگیهای فرهنگی، علایق و سلیقه و... انسانها کاری ندارند. مهندسين ترافیک در طول دوره آموزش خود با انجام تمرینات نمونه تنها به محاسبه نفرو سفر مبادرت می ورزند از نظر آنان خیابانها تنها محل جولان اتومبیل است و انسانها هیچ اهمیتی ندارند. آنان در نمی یابند که خیابانها شخصیت‌های کارکردی متفاوتی دارند و اساساً خیابان بایستی محل تجلی حیات مدنی و بروز تعاملات صحیح اجتماعی باشند. و خلاصه کلام آنکه نیروی انسانی مورد نیاز ما در حال حاضر متناسب با نیاز جامعه «تربیت» نمی شود، بلکه تنها «آموزش» می بیند. آنان برای آموزش آخرین شیوه های آموزشی کشورهای غربی را الگو و سرمشق خود قرار می دهند، لیکن توجه به این امر

ندارند که در کشوری زندگی می کنند که هزاران سال تمدن را در سابقه خود دارد و در تدوین سر فصل دروس حتی از تجربه کشورهای دارای تمدن کهن استفاده نمی کند. فراموش نکنیم که بهر حال نقش دانشگاهها و مراکز آموزش عالی نقشی طولانی مدت است و هرگز برای اقدامات عاجل نمی توان از این مراکز انتظار پاسخگویی داشت. لیکن بسیاری از ایده ها و اندیشه های راهبردی بخشهای اجرایی رامی توان در طول برنامه های آموزشی مورد آزمون و ارزیابی قرارداد و با استفاده از توان بالقوه دانشجویان که یکی از حلقه های مهم در تحقق اهداف و برنامه های این منشور تلقی می شوند، و بهره گیری از تجربه اساتید نسبت به تدوین راهبردهای طولانی مدت اقدام نمود.

۲- **مراکز پژوهشی:** مراکز پژوهشی نقشی انکار ناپذیر در اصلاح روند کنونی شهر سازی و معماری برعهده دارند. این مراکز می توانند با انجام پژوهشهای بنیادی در برنامه ریزیهای بلندمدت نقشی اساسی ایفا نمایند و در کنار آن با انجام پژوهشهای کاربردی زمینه های اقدامات میان مدت را ساماندهی نمایند. در این خصوص مراکز پژوهشی می توانند با برگزاری دوره های آموزشی کوتاه مدت و کاربردی نسبت به باز آموزی نیروهای تخصصی موجود در بخشهای مختلف اجرایی، اقدام و به تقویت سرمایه های انسانی موجود، کمک کنند. اما نمی توان منکر وجود آسیبهایی در این مراکز باشیم. مهمترین این آسیبها عبارتند از: کمبود نیروی انسانی متبحر در امر پژوهش، کمبود بودجه و اعتبارات مورد نیاز پژوهش، نگرش سوداگرایانه در برخی از مراکز پژوهشی به امر تحقیق، تمایل به کلی گویی و پرهیز از بیان نتایج کاربردی، تکیه بیش از حد به نظرات صاحب نظران دیگر کشورها و عدم بهره برداری از میراث معنوی موجود در کشور، نگرش غالب مهندسی به مسائل و معضلات و عدم توجه تحلیلی به ریشه های اجتماعی و فرهنگی موثر در این زمینه ها، مهمترین آفات موجود در مراکز پژوهشی است. توجه به این واقعیت که « آفرینش آثار فاخر مهندسی همواره ریشه در شکوفایی اندیشه های فرهیختگان داشته است، لزوم تقویت بنیادهای خردگرایانه و ایجاد بسترهای مناسب برای بروز اندیشه های خلاق را بیش از پیش بر ما روشن می نماید» و مسلماً مراکز پژوهشی مهمترین گامواره های پاسخگویی به چنین نیازی خواهد بود. ارتباط مستمر مراکز پژوهشی با دانشگاهها می تواند تا حد قابل توجهی موجب تقویت متقابل این دو رکن موثر در تحقق شهر مطلوب باشد.

۳- **نهادهای قانونگذار:** تحقق شهر مطلوب نیازمند وجود ابزارهای قانونی است. پذیرش این واقعیت که بخش عمده ای از نابسامانیها و آشفتنگی سیما و منظر شهرها از زیاده خواهی و توجه افراد ذینفع و ذینفوذ به منافع آنی و شخصی ناشی می شود، لزوم تهیه قوانین و مصوبات متناسب برای در اختیار گرفتن و کنترل نحوه فعالیت‌های مخرب چنین اشخاص حقیقی و حقوقی است. ضمن آنکه نباید فراموش کنیم که اغلب مشکلات مشهود در این خصوص ناشی از قانون گریزی و ضعف در قوانین موجود است. مهمترین آسیبهای موجود در این زمینه را می توان به شرح زیر مورد اشاره قرار داد: مراکز قانونگذار دچار مصلحت اندیشیها و ملاحظه کاریهای سیاسی بوده و تصمیم گیری های قاطع مورد نیاز در خصوص مسائل فرهنگی و تخصصی در زمینه های معماری و شهر سازی را فدای ترجیحات اقتصادی و سیاسی می نمایند و به عبارت دیگر علی رغم اهمیت موضوع شهر سازی و معماری از بعد فرهنگی و نهایتا اقتصادی و اجتماعی، این مقوله در اولویت نهادهای قانونگذار قرار نگرفته است. نکته قابل ذکر دیگر در این زمینه آن است که اغلب اتفاقاتی که در خصوص معماری و طراحی شهری بروز می نماید ناشی از فعالیت‌های پنهانی است که اصطلاحا قوانین نانوشته خوانده می شوند. تحقق آرمانهای ما در تنظیم طرحها و لوایح قانونی می تواند در بازنگری نحوه آرایش تخصصی نمایندگان مجلس، اعضا هیئت دولت، شورای عالی شهر سازی و معماری و.... و پیش بینی شیوه هایی برای آموزش و ایجاد حساسیت بیشتر در این افراد، نمود داشته باشد. تنظیم طرحها، لوایح و مصوبات متناسب با ویژگیهای فرهنگی جامعه ایرانی که شرایط تحقق آنها مهیا باشد و پیش بینی مجموعه ای از اقدامات تدریجی مبتنی بر سه اهرم آگاهی بخشی عمومی، تشویق و تنبیه می تواند زمینه ساز بستر قانونی مناسبی برای تحقق شهر مطلوب باشد.

۴- **رسانه های گروهی:** رسانه های گروهی از دیگر عوامل مؤثر در تحقق معماری و شهر سازی مطلوب می باشند زیرا از یکسو این رسانه ها نقش مهمی در افزایش آگاهی عمومی از طریق ارائه آموزه های ساده و بیان مسائل و مشکلات موجود، زمینه های مشارکت عمومی را دریافتن راه حل‌های عام فراهم نمایند و از سوی دیگر می توانند در برانگیختن احساسات عمومی نسبت به مسائل مهم فرهنگی از جمله معماری و شهر سازی بویژه حفظ ارزشهای موجود در شهرهای کهن داشته باشند. آسیب‌های موجود در این بخش نیز به طور خلاصه عبارتند از: عدم شناخت کافی هیئت‌های تحریریه رسانه‌ها با اصول و ارزشهای معماری و شهر سازی ایرانی-اسلامی، مدگرایی و تبعیت از بازار به سبب شرایط اقتصادی حاکم بر فضاهای رسانه ای، تاثیر پذیری از فضای حاکم

بر تبلیغات رسانه های بزرگ جهانی، عدم اولویت موضوعات معماری و طراحی شهری در مجموعه مطالب رسانه ها، عدم حمایت از نشریات و رسانه ها از سوی مسئولین و متولیان، انتشار مجلات تخصصی کم محتوی در مجموعه رسانه های کشور، مسلما برای ارتقاء وضعیت کنونی و پررنگ نمودن جایگاه معماری و طراحی شهری در رسانه ها علاوه بر آنکه نیاز به اقدامات فرهنگی و ایجاد حساسیت در میان اهل حرفه در بخش رسانه ها وجود دارد، حمایت مالی، تهیه مطالب آگاهی بخش عمومی و متناسب با دانش اقشار مختلف جامعه، همکاری و تعامل سازنده با اصحاب رسانه ها در سطوح مختلف نظیر برگزاری جشنواره معماری و رسانه، طراحی شهری و رسانه به صورت ادواری از جمله اقداماتی است که می تواند در به خدمت گرفتن رسانه ها و تغییر جهت نحوه نگرش آنها به این مقولات مفید واقع شود.

۵- **نهادهای تخصصی:** جوامع حرفه ای علاوه بر نقشی که در تهیه و اجرای طرحهای معماری و طراحی شهری دارند به سبب آنکه همکاری فکری دستگاهها و سازمانهای اجرایی می باشند، نقش و جایگاه مهمی در تحقق شهر مطلوب داشته و می توانند با ارائه پیشنهادهای مناسب خود بر روند شهر سازی و معماری کشور مؤثر باشند. کما اینکه هم اینک نیز حاصل تلاش مهندسين مشاور مختلف، نتایج متفاوتی را رقم می زند که نشانگر توجه ویژه و احساس مسئولیت خاص در میان برخی از حرفه مندان در قیاس با سایر همکاران است. مهمترین آفات موجود در میان این بخش عبارت است از: کلیشه ای شدن کارهای ناشی از شرح خدمات همسان، عدم تناسب میان حجم وظایف مورد انتظار و میزان حق الزحمه تهیه طرحها، عدم برخورداری از نیروهای کارآمد و صاحب نظر در زمینه معماری و شهر سازی ایرانی-اسلامی، نگرش تجاری و سوداگرایانه در تهیه طرحها و عدم کنترل مناسب و کافی کارفرمایان در هنگام هدایت، نظارت و راهبری طرحها. ایجاد دوره های بازآموزی برای این گروه، تکمیل، بازنگری و اصلاح شرح خدمات تهیه طرحها و تقویت حق الزحمه متناسب با شرح خدمات جدید، تهیه راهنما برای شرح خدمات تهیه طرحها و تقویت نیروی انسانی کارفرمایان در هدایت، نظارت و راهبری طرحها از جمله اقدامات ضروری در این زمینه محسوب می شود.

۶- **تشکلهای مردم نهاد (N.G.O)ها:** فعال شدن تشکلهای مردم نهاد به سبب نقشی که می توانند در شناسایی و ترویج ویژگیها و ارزشهای هویت مند معماری و شهر سازی ایرانی-اسلامی ایفا نمایند، نیازمند توجه می باشد زیرا اولاً: در چنین تشکلهایی منافع شخصی و مالی چندان مطرح نیست و

ثانیا: آنها در قید بسیاری از ضوابط و مقررات دست و پا گیر رسمی که گریبانگیر دستگاهها، سازمانها و تشکلهای دولتی و صنفی است، قرار ندارند. در عین حال این تشکلهای نیز دارای آسیبهای ویژه ای می باشند که مهمترین آنها عبارتند از: عدم برخورداری از جایگاه مناسب در سلسله مراتب ارکان تصمیم گیری و برنامه ریزی، کم بودن تعداد آنها در قیاس با نیاز موجود، عدم تمایل اینگونه تشکلهای در توجه به مقولات معماری و طراحی شهری و غلبه نیازهای کمی بر نیازهای کیفی در جامعه. مسلما ترغیب این تشکلهای از طریق رسانه های جمعی و برگزاری نشستهای مشترک با آنها از سوی مسئولین، متخصصین و حرفه مندان می تواند نقشی اساسی در ترغیب این تشکلهای به حضور فعال در زمینه معماری و طراحی شهری، ایفا نماید.

۷- **دستگاهها، سازمانها و نهادهای اجرایی ( مدیریت اجرایی ) :** دستگاهها، سازمانها و نهادهای اجرایی به دلایل مختلفی از جمله وظایف ذاتی و ایجابی، بهره برداری از طرحها، جایگاه قانونی و قدرت ناشی از آن، نقش مهمی را در تحقق پذیری طرحها داشته اند و در عین حال جایگاه مهمی در بهبود روشها و افزایش بهره وری دارند. اما در عین حال آسیبهای این بخش نیز حکایت از شرایط نامطلوب آن دارد. ضوابط و مقررات دست و پا گیر، پیروی اجباری از قوانین نامتناسب، دخالت بخشهای مختلف در حیطه فعالیت و عملکرد یکدیگر، عدم هماهنگی در بین بخشهای مختلف، ضعف در تامین نیروهای انسانی متبحر و کارآمد، عدم تولی گری واحد در امر معماری و طراحی شهری، عدم انجام هماهنگی و همکاری لازم از سوی عوامل ذینفع و ذی نفوذ، از جمله مهمترین مشکلات موجود در این بخش است. مسلما اصلاحات در این بخش و هر یک از بخشهای دیگر نمی تواند به تنهایی جوابگوی نیازها کنونی باشد. به همین سبب ضروری است ضمن برنامه ریزی یکپارچه جایگاه هر یک از این عوامل را تعیین و با تعاملی هماهنگ از کلیه این تواناییها استفاده نموده و نیل به اهداف را تسهیل نماییم.

۸- **جمع بندی:** بنا بر آنچه گفته شد علی رغم تمامی مشکلات موجود در بهره گیری از بخشهای مذکور، به نظر می رسد که برای نیل به اهداف مورد نظر، هماهنگی میان آنها اجتناب ناپذیر است. بنابراین چنانچه ساز و کار مناسبی برای بهره گیری از توان موجود و جبران کاستیها پیش بینی شود، روند جهت گیری به سمت تحقق شهر مطلوب و معماری خوب فراهم خواهد شد.

**• عوامل و عناصر مؤثر در شهر مطلوب:** پیش از وارد شدن به این مبحث یادآور می شود که اگر چه هر «کل» ترکیبی از «اجزاء» است و بنابراین برای رسیدن به «کل مطلوب» نیازمند «اجزاء مطلوب» هستیم لیکن وجود «اجزاء مطلوب» لزوماً به «کل مطلوب» منجر نخواهد شد. به عبارت دیگر وجود «اجزاء مطلوب» شرط لازم برای رسیدن به «کل مطلوب» محسوب می شود، اما کافی نیست. علاوه بر این بایستی عنایت نماییم که با توجه به نسبی بودن مفهوم مطلوبیت، آنچه که ما «کل مطلوب» قلمداد می کنیم، ممکن است «اجزاء» در حد کمال مطلوبیت نباشند، اما مجموعه مطلوب ارزیابی شود. به بیان دیگر در این حالت هر یک از «اجزاء» به صورت هماهنگ با دیگر اجزاء به تعادلی چند سویه رسیده باشند. با این نگرش و با تلاش در بازشناسی عوامل مؤثر در ایجاد شهر مطلوب در زیر به بیان عوامل و عناصر مؤثر در این خصوص می پردازیم. البته باید توجه داشته باشیم که شهر مطلوب نمی تواند ناشی از توجه به اجزاء کالبدی در معماری شهر باشد. به مفهوم دیگر مطلوبیت شهر کهن ایرانی ناشی از وجود یک طاقنما در طول یک گذر و یا ایجاد چرخش در مسیر حرکتی و ایجاد منظر متفاوت نیست. این اجزا در تعامل با سایر اجزای معنا و مفهوم می یابد و بنابراین «هدف ما از ایجاد شهر مطلوب صرفاً ایجاد فضاهای نوستالژیک (فضاهای تداعی کننده خاطره تاریخی) نیست.» مهم آن است که بتوان «روح معماری و شهر سازی» گذشته را در عرصه های مختلف حیات مدنی نماییم و در این راستا بایستی در بخشهای تاریخی شهرهای کهن ضمن حفظ و نگهداری ارزشهای تاریخی در فضاهای هویت مندهویت شهری سعی در ایجاد پیوند میان این ارزشها و توسعه های درون بافتی داشته باشیم. به عبارت دیگر آنچه که دلالت بر هویت یک محله و یا یک شهر می کند بایستی به دقت مورد صیانت قرار گیرد و این امر بایستی فارغ از آنکه شکلی کالبدی دارد یا از میراث معنوی جامعه است مورد توجه قرار گیرد. در بخشهای توسعه شهری نیز با استفاده از ابزارهای ناشی از شناخت جامعه سعی نماییم تا با ایجاد شرایطی برای تثبیت ساکنین و ایجاد علاقه برای سکونت طولانی مدت در محل زمینه های ایجاد انسجام اجتماعی و به تبع آن انسجام کالبدی را فراهم و نهایتاً زمینه بروز و ظهور تدریجی هویت مکانی را در این بخشها مهیا نماییم. به عبارت دیگر "ارتقاء ساختار جامعه" مقدم بر "ارتقاء کالبد معماری و شهر سازی" است. ضمن آنکه تاکید می نماید که «مطلوبیت شهر» دو وجه دارد، یکی «وجه کارکردی» و دیگری «وجه ادراکی» و به دلیل «تفاوت ماهوی» این دو وجه بایستی عنایت داشته باشیم که عملاً آنچه که در ایجاد «احساس مطلوبیت شهر» مؤثر است، «وجه ادراکی» است. لکن این وجه

غیر قابل سنجش با روشهای عقلی و علمی است. و تنها «وجه کارکردی» با روشهای علمی قابل سنجش است. یاد آور می شود که در ایجاد شهر مطلوب وقوع مطلوبیت در «وجه کارکردی» شهر امری «لازم» است. اما شاید «کافی» نباشد. به همین سبب آنچه که در پی می آید بیشتر نقش راهنما دارد تا حکم قاطع در نیل به این هدف، لیکن در عین اینکه نقشی غیر قابل انکار در این مقوله خواهند داشت.

• **ساختارمندی:** ساختارمندی و یا به عبارت دیگر شکل گیری شهر بر اساس استخوانبندی مشخص علاوه بر آنکه موجب ایجاد نظم و سلسله مراتبی در شهر می شود، نحوه و جهت توسعه شهر را ساماندهی نموده و ایجاد شبکه های زیرساختی را تسهیل و میزان جمعیت پذیری و سایر ظرفیتهای بالقوه شهر را معین می نماید. ساختارمندی چنانچه در ایجاد و توسعه شهر مدح نظر باشد، تمامی اجزاء شهر از ابنیه معماری مسکونی کوچک گرفته تا ابنیه عمومی و شبکه های دسترسی متأثر از این ویژگی خواهند بود. ساختارمندی تنها مشمول کالبد شهر نبوده و به روابط اجتماعی و حتی تردد در سطح شهر نیز تسری می یابد. در یک ساختار شهری مناسب، ترتیب شبکه دسترسی سواره، سواره کندرو (دوچرخه) و پیاده به گونه ای است که بدون ایجاد تداخل، نقش خود را متناسب با نیاز شهروندان ایفا می نمایند. ساختارمندی از جمله مهمترین ویژگیهای شهرهای تاریخی و فرهنگی ایرانی-اسلامی است. به گونه ای که وجود ساختار در کل شهر، محلات، کلان محله ها و اجزاء معماری قابل تشخیص می باشد. در ساختار جوامع انسانی نیز ساختارمندی از ویژگیهای جوامع متمدن و از جلوه گاههای ویژه آن محسوب می شود.

• **نظم:** لزوم وجود نظم در ایجاد یک شهر مطلوب بر هیچ کس پوشیده نیست. نظم در تمامی ارکان جامعه اعم از روابط اجتماعی گرفته تا کارکردهای فیزیکی شهر امری مطلوب محسوب می شود. عنایت به این امر که نظم در میان جامعه بشری به دو صورت «نظم ریاضی (هندسی)» و «نظم شهودی» قابل شناسایی است ما را ناگزیر می سازد به این نکته توجه داشته باشیم که نظم ریاضی ممکن است هرگز توسط افراد جامعه درک و احساس نشود و در عین حال نظم شهودی با معیارهای نظم ریاضی قابل سنجش نباشد، زیرا «نظم شهودی مفهومی ذهنی و احساسی» و در عین حال عینی و ادراکی است. به عنوان مثال، شاید ساختار شهرهای کهن ایرانی با تعریف اشکال شهری نظیر «شهر شطرنجی» «شهر شعاعی» «شهر خطی» و نظایر آن قابل شناسایی نباشد، لکن نظم شهودی آن در وجود سلسله مراتب

گذرها، نحوه شکل گیری محلات و ابنیه قابل تشخیص است. به همین ترتیب محل استقرار کاربریهای عمومی و خدماتی در این شهرها کاملاً معین است. و کسانی که با اصول شکل گیری و ساختار شهر ایرانی-اسلامی آشنایی دارند، نظم حاکم بر آن را به سهولت تشخیص خواهند داد. وجود «نظم» در ایجاد تعادل، خوانایی، ایمنی و امنیت، و آرامش که از دیگر عوامل مطلوبیت شهر محسوب می شوند، موثر است.

• **تعادل:** تعادل به دو منظور بایستی در ایجاد و توسعه شهرها مورد عنایت نظر قرار گیرد. نخست بارگذاری جمعیتی متناسب با قابلیت‌های شهر و دیگری توزیع عادلانه امکانات و قابلیت‌های شهر میان شهروندان. بنابراین با اندیشه ای استقرایی می توان دریافت در چنین شهری تراکم ساختمانی و جمعیتی به تناسب قابلیت‌های طبیعی و ساختاری معین می شود. در چنین شهری اقداماتی نظیر ایجاد مانع در بهره گیری از مواهب طبیعی برای گروهی از شهروندان و اختصاص سهم بیشتر به گروهی دیگر مجاز نمی باشد. در چنین شهری ایجاد محلات بالاشهری و مناطق فقیر نشین یا پایین شهری بی معناست. جمعیت به صورت همگون توزیع می شود و افراد خانواده های غنی و فقیر با همزیستی موجب ایجاد فرهنگی مشترک در سطح شهر خواهند شد. در چنین شهری اختلاف طبقات اجتماعی نمود و بروز بیرونی در ریخت کلی ابنیه شهر ندارد. و در معماری ابنیه نیز دانه بندی ها به نحو فاحش خود نمایی نمی نماید. ریخت شناسی ابنیه نیز حکایت از نوعی هماهنگی و همخوانی میان آنها دارد.

• **تنوع:** شهر مطلوب دارای تنوع طبیعی و مصنوع است. و البته بایستی عنایت داشته باشیم که مفهوم تنوع با اغتشاش متفاوت است. « مرز تشخیص تنوع از اغتشاش مشمول معیارهای نظم و تعادل است ». تنوع علاوه بر کمک به ایجاد خوانایی در شهر موجب ایجاد سرزندگی و ایجاد شادابی در زندگی شهری می شود. تنوع در شهر با ایجاد منظرهای بدیع در مسیرهای دید منتهی به مواهب طبیعی و نشانه های شهری به همراه ایجاد گشایشهای فضایی و تغییر مرایا به معماری شهری و ابنیه دارای کاربریهای متنوع تجلی می یابد. ظهور تنوع بویژه در عرصه های عمومی حیات مدنی مصداق می یابد. تنوع به پیروی از ساختار شهر و نظم حاکم بر این ساختار معنی می یابد و جز آن موجب بروز اغتشاش بصری نزد شهر وندان خواهد بود.

• **ایمنی و امنیت:** تردیدی وجود ندارد که امنیت و ایمنی از مهمترین ملاکهای مطلوبیت یک شهر محسوب می شود. بدین مفهوم که اولاً شهر باید برای استفاده کلیه اقشار جامعه از خردسالان تا کهنسالان و از افراد سالم تا انسانهای دارای مشکلات جسمی و حرکتی مهیا باشد و ثانیاً موجب آرامش روانی ساکنین شود. این امر با رعایت شرایط مربوط به عبور و مرور عابرین پیاده از یکسو و ایجاد زمینه های لازم برای نظارت عمومی بر عرصه های مختلف حیات مدنی تحقق پذیر است. به عنوان مثال چنانچه در یک شهر کویری با ایجاد تابش بندها، سکوهای نشیمن، مراعات شیب مناسب و جلوگیری از ایجاد لبه ها و پرتگاهها در گذرها، عرصه های عمومی را برای عبور مرور و ایجاد جریان حیات شهری مهیا نماییم و در کنار آن با ایجاد زمینه های شکل گیری ساختار محله موجب ایجاد فرهنگ مشترک و جامعه محله محور را فراهم نماییم، مسلماً ورود هر غریبه ای به محلات موجب تشدید نظارت اجتماعی و تامین امنیت شهروندان خواهد گردید. از دیگر مصداقهای وقوع ایمنی و امنیت حفظ حرمت و حریم افراد و خانواده ها است. به عبارت دیگر اگر چه در عرصه های مختلف حیات مدنی وجود نظارت همگانی امری پسندیده و ممدوح است، هرگونه دخالت به حریم خصوصی افراد مذموم و ناپسند است. بنابراین بخشی از اصل ایمنی و امنیت در حفظ حقوق خصوصی حریم و حرمت افراد و خانواده ها است. ایمنی تنها مشمول موارد اجتماعی نمی شود، بلکه مواردی نظیر ایمنی و امنیت در تردد با وسیله نقلیه را نیز شامل می گردد. در شهر مطلوب قاعدتاً ما با ترافیکی روان مواجهیم که در آن اولویت با عابر پیاده است. دوچرخه سواری بدون تداخل با حرکت وسائط نقلیه موتوری به سهولت میسر است و ترجیح شهروندان به استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی با رویکرد افزایش تعاملات اجتماعی، کاهش آلودگیهای زیست محیطی، کاهش تردهای غیر ضروری، کاهش بار ترافیک و صرفه جویی در مصرف سوختهای فسیلی است. درعین حال این رفتار موجب افزایش نظارت اجتماعی و تسریع در شکل گیری روابط اجتماعی مطلوب و افزایش ایمنی و امنیت نزد شهروندان می شود.

• **هماهنگی با بستر طبیعی:** شهر مطلوب بایستی با بستر طبیعی خود دارای تعامل و تعادل باشد. اندیشه مبتنی بر نگرش توسعه پایدار ما را بر آن می دارد تا با توجه به ظرفیت های طبیعی موجود نسبت به احداث، مدیریت و یا توسعه شهر و مکانیابی استقرار جمعیت مبادرت نماییم. چرا که در صورت عدم توجه به این مهم موجبات زوال بستر طبیعی شهر را فراهم نموده ایم. توجه به بستر طبیعی ما را در

جهت گیری مناسب معابر و ابنیه، استفاده از چشم اندازها و مواهب موجود کمک خواهد نمود. و علاوه بر این موجب تسهیل در انتخاب مصالح ساختمانی و نحوه مواجهه با حوادث و بلایا خواهد گردید.

• **پیوند با میراث فرهنگی و تاریخی گذشته:** زندگی در سرزمینی کهن با تمدنی ارزشمند و تاریخی مارا بر آن می دارد تا از تجربه های ناشی از همزیستی نیاکانمان با طبیعت بهره گیری نموده و از تکرار آزموده های پیشین خودداری نماییم. ویژگیهای تمدن کهن ما موجب می شود خود را مکلف بدانیم تا در تهیه طرحهای توسعه شهری و یا در ایجاد شهرهای جدید از آموزه های این تمدن در مکانیابی و شیوه های توسعه شهری بهره برداری نماییم. به عبارت دیگر در یک نظام مناسب بایستی روح معماری و شهر سازی گذشته را در ساخت و سازهای جدید بکار گرفته و علاوه بر استفاده از فناوریهای جدید از تجارب میراث گذشته نیز استفاده نماییم. معماری و شهر سازی ایرانی-اسلامی بر اصول ثابتی مبتنی است که با شناسایی و باز یابی مصداقهای آن در دوره معاصر می تواند راهنمای ما در تهیه طرحهای توسعه شهری، ایجاد شهرهای جدید و اصلاح وضع کنونی شهرها باشد. زیرا بانگاهی اجمالی و مبتنی بر سبک شناسی معماری و شهر سازی علاوه بر امکان تشخیص ویژگیهای مربوط به هر دوره تاریخی، مجال اندیشیدن به نحوه استفاده از فناوریهای هر دوره تاریخی را خواهیم داشت.

• **کمال گرایی:** شهر مطلوب بایستی حرکتی تکاملی و متناسب با تغییرات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی داشته باشد. " **کمالگرایی بکار گیری تجارب بدست آمده در طول دوره تمدن و تعامل فرهنگی میان شهروندان در حیات مدنی و ترکیب آن با فناوریهای جدید است.** " سیر تکامل شهرها به «گسترش» آنها خلاصه نمی شود بلکه «مصادق» آن «توسعه» است. به عبارت دیگر توسعه به مفهوم واقعی آن بایستی همسو با سیر روبه تکامل شهر انجام شود. ناگفته پیداست که کمالگرایی بخشی از فرایند ساختارمندی، نظم و تعادل در شهر سازی محسوب می شود و نقش مهمی نیز در ایجاد تحرک و پویایی در شهر و ایجاد سرزندگی در میان شهروندان دارد.

• **آرامش (1):** اگر نهایت آرزوی هر شهروند در زندگی درون یک شهر را برخوردار بودن از نعمت «آرامش» بدانیم، سخنی معقول گفته ایم. اما برآستی «آرامش» که «امری کاملاً احساسی» است، چگونه می تواند نمود و بروز یابد؟ و با چه سنجه هایی قابل اندازه گیری و پیمایش است؟ واقعیت امر آن است

که زندگی شهری در نزد بسیاری از انسانها همواره با اضطراب و نگرانیهای دائمی همراه است و هر قدر وسعت شهرافزایش می یابد، این نگرانیها نیز به صورت تصاعدی فزونی می یابد. اما به راستی آیا شهر می تواند محل آرامش شهروندان باشد؟ مروری بر آنچه که به عنوان عوامل مؤثر در ایجاد شهر مطلوب بیان گردید، می تواند راهنمای ما در ایجاد آرامش باشد، زیرا وجود نظم، تعادل، تنوع، ساختارمندی، ایمنی و امنیت، همزیستی با طبیعت، کمالگرایی و ارتباط با خاطرات گذشته همگی بر ایجاد آرامش روانی نزد شهروندان مفید و مؤثرند. البته ممکن است عوامل دیگری موجب اضطراب و ناآرامی آدمی باشد که ارتباط مستقیمی با شهر ندارد. به عنوان مثال اگر شخصی به سبب بد قولی در یک قرار ملاقات دچار اضطراب درونی باشد این امر ارتباط مستقیمی به شهر ندارد زیرا نظم و ساختارمندی شهر امکان دسترسی سریع و سهل را برای او فراهم نموده است. و در مثالی دیگر شهروندی که امکان تردد ایمن و امنیت شهروندی در ساختار و نظم شهر برای او پیش بینی شده است، نباستی از ناتوانی در تردد در سطح شهر نگرانی داشته باشد. از نظر دانش روانشناسی آرامش در آدمی با وجود «شناخت» ایجاد و «احساس» می شود. مشروط بر آنکه روان پریشیهای دیگری ذهن او را مخدوش ننماید. بنابراین شهر مطلوب می تواند برای انسانهایی که از سلامت نفس برخوردارند محل آرامش باشد و از تشدید دل نگرانیها دور باشد.

- **شهر محل تجلی تمدن است:** مسلما شهر مطلوب علاوه بر آنکه واجد اصول مذکور است، بایستی دارای «هویت» نیز باشد **«هویت» تجلی «تمدن» در عرصه های گوناگون حیات مدنی است.** بویژه اینکه توجه داشته باشیم که «تمدن گذر از مرتبه جمعیت، طی مرحله اجتماع و نیل به مفهوم جامعه است» در تشریح این مضمون لازم است متذکر شویم که «جمعیت» شامل گروهی از انسانها است که منفرد از یکدیگر و فارغ از اشتراکات معمول در جوامع بشری را شامل می شود. چنانچه جمعیتی در یک ویژگی و یا یک نیاز پیوند یابند، آنگاه «اجتماع» پدید می آید. «جامعه» نیز شامل گروهی از انسانها است که دارای روابط و پیوندهای عمیق فرهنگی، تاریخی، اقتصادی و... بوده و در زمینه های مختلف

---

(۱) - گاهی ممکن است مفهوم آرامش با آسایش خلط شود. یادآور می شود آسایش امری کالبدی و جسمی است و آرامش امری احساسی و درونی است. به عبارت دیگر آرامش مربوط به وجه ادراکی شهر و آسایش مربوط به بخش کارکردی آن است.

زندگی دارای تعامل کمالگرایانه جهت نیل به اهداف و آرمانهای مشترک می باشند. و در این راستا می توان شهر را به مثابه پیمانهای برای ظهور و بروز تمدن قلمداد نمود که عرصه های زندگی مدنی محل تجلی آن است.

**• راهبردها :** برای ایجاد شهر مطلوب بایستی راهبردهای زیر سرلوحه ما در بخشهای معماری و طراحی شهری قرار گیرند و کلیه اقدامات که در ادامه به آنها اشاره خواهد گردید، متناسب با این راهبردها تهیه و تنظیم شود.

#### **• راهبردهای:**

- ۱- انجام مطالعات مبتنی بر محور جامعه شناسی
- ۲- استخراج اصول، ارزشها و ویژگیهای پایه در معماری و شهرسازی تاریخی و فرهنگی ایرانی- اسلامی در پهنه های مختلف اقلیمی و فرهنگی کشور
- ۳- ایجاد مرجع واحد برای تدوین و تنظیم استانداردهای مورد نیاز در رسته های مختلف
- ۴- تدوین اصول و معیارهای طراحی معماری در پهنه های مختلف کشور با عنایت به اصول، ارزشها و ویژگیهای معماری و شهرسازی تاریخی و فرهنگی کشور
- ۵- فراهم نمودن بسترهای مناسب برای آموزش و تقویت نیروی انسانی مرتبط و فعال در امر معماری
- ۶- تدوین قانون نظام معماری و شهرسازی
- ۷- فراهم نمودن بسترهای لازم برای استفاده از اصول، ارزشها و ویژگیهای معماری ایرانی-اسلامی در معماری معاصر
- ۸- آموزش همگانی و افزایش آگاهی های عمومی در خصوص ویژگیها، اصول و ارزشهای معماری ایرانی-اسلامی
- ۹- تقویت و حمایت معنوی از تشکلهای مردم نهاد (N.G.O)ها که در زمینه معماری ایرانی-اسلامی فعال می باشند.
- ۱۰- تقویت همکاریهای دو جانبه با دانشگاهها و مراکز آموزش عالی در زمینه های آموزشی و پژوهشی در حوزه معماری و شهرسازی ایرانی-اسلامی

- ۱۱- حمایت از تشکلهای، نهادها و دستگاههای تخصصی و اجرایی ذی‌مدخل در امر معماری و طراحی شهری
- ۱۲- استفاده از روند تجارب بین‌المللی بویژه در کشورهای فرهنگی و تاریخی در حوزه شناسایی و بهره‌گیری از اصول و ارزشهای معماری بومی
- ۱۳- همکاری با کشورهای آسیایی بویژه کشورهای که بخشی از حوزه فرهنگی ایران محسوب می‌شوند، در جهت بازیابی هویت معماری و شهرسازی ایرانی-اسلامی
- ۱۴- تعیین تکلیف امرتولی‌گری عرصه‌های عمومی در شهرها و تعیین جایگاه هر یک از عوامل ذی‌مدخل در این عرصه‌ها
- ۱۵- استخراج اصول و معیارهای ارزیابی کیفیت محیط متناسب با ویژگیهای اجتماعی، تاریخی و فرهنگی در پهنه‌های مختلف کشور

**• اقدامات:** برای تحقق راهبردهای مذکور در زمینه‌های معماری و طراحی شهری انجام اقداماتی به شرح زیر پیش‌بینی می‌شود:

**• اقدامات :**

- ۱- اصلاح شرح خدمات طراحی معماری (قرارداد همسان شماره ۳ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سابق) متناسب با پهنه‌های مختلف اقلیمی و فرهنگی و حداقل برای سه دسته بنا (الف- بناهای منفرد درون محوطه‌های باز، ب- بناهای واقع در بخشهای توسعه شهری ج- بناهای درون بافتهای تاریخی و فرهنگی) با مقیاس‌های محلی، ناحیه شهری، منطقه‌ای، شهری، فراشهری، ملی و بین‌المللی
- ۲- احداث ابنیه از طریق شرکتهای مطالعه، طراحی و ساخت (E.P.C) با تضمین کیفیت ساخت از سوی بنگاههای بیمه
- ۳- تهیه و تدوین استانداردهای معماری متناسب با فرهنگ ایرانی-اسلامی برای پهنه‌های عمده اقلیمی و فرهنگی
- ۴- مستندسازی وضعیت موجود معماری در پهنه‌های مختلف و نحوه ساخت و سازهای معاصر به منظور آسیب‌شناسی وضع موجود و پیش‌بینی راهکارهای لازم برای اصلاح روند موجود

- ۵- انجام مطالعات گونه شناسی معماری ارزشمند شهرهای فرهنگی و تاریخی و استخراج اصول، ویژگیها، تناسبات، ریخت شناسی، دانه بندی، روابط درونی ابنیه و استانداردها و پیش بینی نحوه استفاده از نتایج این مطالعات در طرحهای معماری آتی
- ۶- تعیین تکلیف نحوه طراحی، اجرا و نظارت بر ساخت و سازهای درون بافتهای فرهنگی و تاریخی از طریق تدوین قانون نظام معماری و شهرسازی
- ۷- برگزاری مسابقات معماری و طراحی شهری به منظور تشویق طراحان به استفاده از اصول، ارزشها و عناصر معماری و شهرسازی تاریخی و فرهنگی در طرحها و ارتقاء کیفی طرحها
- ۸- انتشارات دوره ای کتابهای معماری معاصر برای شهرهای مختلف به منظور اطلاع رسانی عمومی و معرفی آثار ارزشمند مهندسين معمار شاغل در شهرستانها
- ۹- همکاری با دانشگاهها به منظور تربیت نیروی انسانی مورد نیاز آینده از طریق مشارکت در تنظیم محتوای واحدهای درسی متناسب بانيازهای کشور و با تکیه بر ویژگیهای معماری و شهرسازی ایرانی- اسلامی
- ۱۰- برگزاری جشنواره های سالیانه معماری به منظور ترویج ارزشهای معماری و شهرسازی ایرانی- اسلامی و آگاهی بخشی عمومی .
- ۱۱- تدوین کتاب به منظور ارج نهادن به زحمات پیشکسوتان حرفه، مدرسین موفق، صاحب نظران در زمینه تئوری معماری و طراحی شهری، مدیران موفق و نکوداشت خدمات آنان به معماری کشور
- ۱۲- کمک به تاسیس گرایشهای میان رشته ای تحت عنوان معماری و شهرسازی ایرانی- اسلامی به منظور تربیت نیروی متخصص مورد نیاز در این گرایش در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی
- ۱۳- ایجاد تحول در ساختار اداری دستگاهها، سازمانها و نهادهای ذیمدخل در امر معماری و شهرسازی به منظور تقویت نیروی فنی و تخصصی
- ۱۴- برگزاری دوره های بازآموزی برای کارکنان نهادها، سازمانها و دستگاههای اجرایی
- ۱۵- تدوین و تصویب قوانین، آیین نامه ها، ضوابط و مقررات مورد نیاز متناسب با اهداف این منشور و مطابق با راهبردها منظور شده در آن.
- ۱۶- حمایت از نشریات برتر معماری و شهرسازی که در زمینه معماری ایرانی- اسلامی فعالیت می نمایند.

- ۱۷- پیش بینی مصوبات و وظایف مورد نظر در برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور
- ۱۸- فراهم نمودن مقدمات لازم به منظور ایجاد نهاد واحد به عنوان متولی امور معماری و طراحی شهری
- ۱۹- اصلاح شرح خدمات طرحهای توسعه شهری به منظور ایجاد زمینه های لازم جهت انجام مطالعات معماری و طراحی شهری و تدوین ضوابط و مقررات ساختمانی متناسب با ویژگیهای معماری بومی شهرها
- ۲۰- تهیه راهنمای مطالعه و طراحی برای بناهای مختلف معماری و طراحی شهری
- ۲۱- انجام پژوهشهای بنیادی و کاربردی درخصوص معماری و شهرسازی پایدار و مبتنی بر ارزشهای معماری و شهرسازی ایرانی- اسلامی
- ۲۲- ارتباط با مجامع جهانی معماری و طراحی شهری و انجام مطالعات و مبادلات فرهنگی
- ۲۳- اصلاح و تکمیل دستورنقشه های مربوط به بخش صدور پروانه های ساختمانی به منظور ارتقاء کیفیت ساخت و سازها و همچنین اصلاح روند طراحی و نظارت بر ساخت و سازها
- ۲۴- ایجاد نهادهای نظارت، هدایت و راهبری طرحهای معماری و پروژه های طراحی فضای شهری به صورت محلی به منظور بومی سازی و ارتقا کیفیت طراحی و انسجام ساخت و سازها
- ۲۵- نهاد سازی برای هدایت و راهبری طرحهای معماری و پروژه های طراحی فضای شهری در مقیاسهای مختلف از بناهای معماری خرد مقیاس تا معماری بناهای در مقیاس جهانی و بین المللی
- ۲۶- کمک به اصلاح شیوه آموزش معماری در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی و تربیت نیروی انسانی متناسب با نیازهای کنونی و آتی کشور
- ۲۷- حمایت از تولید مصالح ساختمانی متناسب با ویژگیهای معماری ایرانی- اسلامی، اقلیم و محیط زیست (مصالح دارای قابلیت بازیافت) برای پهنه های مختلف کشور
- ۲۸- فراهم نمودن بستر های مناسب برای تحقق وظایف محوله به وزارت مسکن و شهرسازی براساس ماده ۵ قانون تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن به وزارت مسکن و شهرسازی (مصوب سال ۱۳۵۳ مجلس شورا) و آیین نامه اجرایی آن مصوب هیئت دولت (۱۳۵۸/۱/۱۲)
- ۲۹- پیش بینی و تثبیت نقش و جایگاه طراحی شهری در طرحهای توسعه و عمران منطقه، ناحیه، طرحهای جامع و تفصیلی

وزارت مسکن و شهر سازی  
معاونت شهر سازی و معماری  
دفتر معماری و طراحی شهری

- ۳۰- تدوین شرح خدمات طراحی فضاهای شهری شامل: محورها (در مقیاس محله، کلان محله) ناحیه شهری، منطقه شهری، شهری، فراشهری و بین المللی) با توجه به شخصیت کارکردی (کارا کتر) محور (تفریحی، تفریحی، عبوری، فرهنگی، تجاری و...) پهنه ها شامل: میادین، فضاهای باز عمومی و... با توجه به شخصیت کارکردی (تفریحی، تفریحی، فرهنگی و...) در مقیاس محله ای کلان محله ای، منطقه شهری، شهری، فراشهری و بین المللی
- ۳۱- تهیه طرحهای الگو (پروژه های طراحی فضای شهری) به منظور انجام فعالیتهای ترویجی، جبران غفلتهای صورت گرفته در طرحهای توسعه شهری و ارتقاء کیفیت محیط شهری. (ح-۶/۱۷-۱۴۶)